

## هنر جلدسازی اسلامی

اسلامی فن تجلید: تاریخ، طریقه کار، فرهنگ/رفعت گل. - اسلام آباد: مقتدره قومی زبان، ۱۹۸۹، ۱۱۸ ص.

کتاب هنر جلدسازی اسلامی با عنوان اسلامی فن تجلید: تاریخ، طریقه کار و فرهنگ، به زبان اردو، تألیف خانم رفعت گل در سال ۱۳۶۷ ش/۱۹۸۹ م. در اسلام آباد پاکستان انتشار یافت. این کتاب دارای سه بخش و ۱۱۸ صفحه است. پس از پیشگفتار و مقدمه، در بخش اول درباره هنر جلدسازی بحث می شود، بخش دوم به شیوه کار جلدسازی و ابزار و آلات مورد استفاده برای این کار و مسایل مربوط به آن می پردازد و در بخش سوم واژه ها و اصطلاحات مربوط به صحافی و جلدسازی به صورت واژه نامه انگلیسی به اردو ارائه شده است.

با اینکه این کتاب با استفاده از تعدادی محدود از منابع و مأخذ تألیف شده است و مانند بسیاری از کتاب های انتشار یافته در شبه قاره هند و پاکستان روش تحقیقی و علمی امروزی را ندارد، از اهمیت آن کاسته نمی شود و برای پژوهندگان بعدی راهگشا خواهد بود، چنانکه دکتر خالد سعید بت در پیشگفتار این کتاب با اشاره به اهمیت حفظ میراث فرهنگی و سودمندی و اهمیت کتاب به مقام مسلمانان در هنر جلدسازی پرداخته و نوشته است که این کتاب به زبان اردو نخستین اثر در هنر جلدسازی است، لذا در اینجا به اختصار به معرفی بخش های مختلف این کتاب می پردازیم:

این کتاب علاوه بر بحث و گفت و گو درباره شیوه کار هنر جلدسازی و تکامل تاریخی آن، درباره مراحل گوناگون گرایش مسلمانان به هنرهای زیبا با توجه به احساسات دینی و مقدس نیز بحثی مفصل دارد. در این کتاب درباره هنر

جدید جلدسازی نیز بحث شده و در این بخش بیشتر کار به صورت سنتی مورد بحث قرار گرفته است.

### بخش اول: هنر جلدسازی اسلامی (تداوم تاریخی)

هنر جلدسازی اسلامی همانند خوشنویسی، در سایه تقدس قرآن مجید، مدارج بی شمار رشد و پیشرفت را طی کرد. در صدر اسلام نوشته ها را در بین دولوح چوبی محفوظ می کردند و سپس شیوه جلدسازی مصریان قدیم که پایپروس را در غلافی از چرم نگهداری می کردند رواج یافت و هنگامی که برای نوشتن کاغذ مورد استفاده قرار گرفت، چرم را فقط برای جلد کردن مورد استفاده قرار دادند و تا اواخر قرن دوم هجری قمری، کتاب پردازی به جست و جوی راه های تازه ترینات و آرایش ها پرداخت و هنر جلدسازی به حدی پیشرفت کرد که بدون شک در بین تمام هنرهای مسلمانان مقام برجسته ای به دست آورد.

مؤلف کتاب برای پرهیز از پیچیدگی و اطناب بحث، چهار گرایش روشن جلدسازی را مطرح می کند:

۱. هنر جلدسازی اسلامی - عربی (که مصر، اندلس، الجزایر، مراکش و آفریقای شمالی را نیز در بر می گیرد).
۲. جلدسازی فارسی ایرانی.
۳. جلدسازی عثمانی.
۴. جلدسازی شبه قاره هند و پاکستان.

بررسی کلی هنر جلدسازی اسلامی - عربی مؤلف در این قسمت با اشاره به هنر جلدسازی قبطی ها یا مصریان قدیم تأثیر اسلام را بر آن متذکر شده است و نوشته

است که جلد های چرمی متعلق به سده های آغازین اسلام که مزین به خطوط و نقاشی های زیباست در برخی از کتابخانه ها و موزه های اروپا محفوظ است. با مشاهده جلد های دوره آغازین اسلام می توان به آسانی پی برد که هنرمندان مسلمان با استفاده از تجربیات مصریان قدیم شیوه کار و روش فنی خود را به وجود آوردند.

مؤلف این ادعای اهل حبشه را که هنر نوشتن از آنجا به عرب ها رسید رد می کند و می نویسد که یمن واقع در ساحل دریای سرخ کشوری است که در آنجا نمونه های جلدسازی در صدر اسلام دیده می شود و سنت دباغی و دباغ خانه رواج داشته است که آن را تأثیر و نفوذ ایرانی تکامل بخشید و شهر طایف برای کار نفیس جلدسازی شهرت داشت.

در عهد مملوکان، مصر بزرگ ترین بازار برای تولید وسایل کتاب پردازی بود و دباغ خانه های فراوان داشت که برای جلدسازی چرم خوب تهیه می کردند. در شعر عربی قرون اول و دوم هجری اغلب از هنرهای خطاطی و جلدسازی یاد کرده اند. و در عهد عباسیان، تعداد بی شماری از جلدسازان وجود داشتند که این هنر را به وسیله آمیختن ذوق و سلیقه خود با احساسات دینی شان به درجه ای از اعتلا رساندند که بی مثال و بی نظیر است. در این جا این نکته را نباید فراموش کرد که با ظهور اسلام، مسلمانان تمام هنرهای زیبایی را که بر نفی و حدانیت استوار بود و یا آنها را ممنوع قرار داده بودند، ترک کردند و تمام توجه هنری خود را به تقدس قرآن کریم مربوط کردند و تمام استعداد های خود را برای کتاب پردازی به کار بردند و خوشنویسی جای تصویر گری و نقاشی را گرفت.

### تکامل عملی و تکنیکی هنر جلدسازی

مؤلف در این بخش بحث کلی راجع به تکامل جلدسازی در قرن های مختلف اسلامی و سبک های مختلف آن را

مطرح کرده و می‌نویسد که جلد‌های به‌دست آمده از سده‌های دوم و سوم بیشتر با سنت مصری نزدیکی دارد و در آنها چرم به کار رفته است. این هنر در قرن‌های چهارم و پنجم هجری شکوفاتر شد و در آن، برخلاف گرایش عمومی ایران و عثمانی، شیوه آرایش جلد‌های کتاب با حروف و گل و بته‌های طلایی بر چرم که از شیوه‌های رایج در حجاز بود، بر شیوه‌های دیگر برتری داشت.

در دایرة المعارف اسلامی (Islamic Encyclopaedia) چاپ دانشگاه پنجاب لاهور شرحی صل دربارۀ دو جلد کتاب یافت شده در یکی از اتاق‌های مسجد جامع قیروان آمده است که متعلق به سده‌های چهارم و پنجم هجری و به شکل دو مستطیل افقی هستند. در همین بخش از این دایرة المعارف ذکری از صندوق آمده است که نشان می‌دهد تا آن زمان این شیوه کار بین عرب‌ها رواج داشت و این گونه جلد تمام کتاب را می‌پوشاند و مانند صندوق در می‌آمد.

در سده‌های ششم و هفتم هجری به جای چرم و لوح‌های چوبی، مقوا مورد استفاده قرار گرفت و کار جلدسازی آسان‌تر شد، اما استفاده از چرم باز هم ادامه یافت. عرب‌ها به جای استفاده از رنگ‌های متنوع ترجیح می‌دادند رنگ طلایی را مورد استفاده قرار دهند، اما بعدها با پیشرفت در کارهای تزئینی، تنوع در استفاده از رنگ‌ها نیز وارد شد و آلات و ابزار گوناگون نیز در این هنر مورد استفاده قرار گرفت و همراه با طرح‌های دستی مهرها و تاپه‌ها (نقش کوب‌ها) و داغینه‌ها برای ایجاد نقوش و کنده‌کاری‌ها مورد استفاده قرار گرفت. کتاب صرف و نحو ابن هاشم نحوی، زبان‌شناس و فقیه معروف مصری، را که در سال ۸۰۳ هـ. پرداخته شد می‌توان بهترین نماینده کتاب‌پردازی در زمان خود قرار داد. هنر جلدسازی عربی در قرن نهم

هجری به درجه‌ای بسیار عالی رسید و علاوه بر آرایش و تزئینات بیرونی جلد کتاب، قسمت‌های داخلی جلد نیز مورد توجه قرار گرفت و در این شکوه هنر تجلید عربی ذوق و سلیقه ایرانی نیز شامل شده بود و بهترین نمونه‌های آن چند جلد موجود در موزه‌های ویکتوریا و آلبرت است.

جلد نسخه‌های قرآن کریم متعلق به عهد عباسی که در کتابخانه‌های قاهره و هامبورگ نگهداری می‌شود متعلق به سده‌های نهم و دهم هجری است و ورق‌های پوستی است. رنگ این پوست‌ها یا طبیعی یا به رنگ بنفش و قرمز آسمانی است و نوشته‌ها معمولاً طلایی است. در عهد عباسیان ساروج‌سازی، سنگ‌تراشی، منبت‌کاری و کنده‌کاری خیلی پیشرفت کرد و تأثیر آن در جلدسازی نیز آشکار شد. همچنین در اوایل نوشتن قرآن کریم، معیاری مشخص و یکنواخت برای اندازه کتاب وجود نداشت، اما پس از قرن یازدهم هجری چند تحوّل عمده به وجود آمد که عبارت است از:

۱. هر کتاب‌ساز با صواب‌دید خود اندازه‌ها را تعیین می‌کرد، اما پس از قرن‌ها تجربه اغلب اندازه‌های مطوک مستطیل شکل مورد استفاده قرار گرفت و بالاخره قطع‌های مستطیل بیشتر رواج پیدا کرد. البته در اندلس و الجزایر و به ویژه در یمن قطع‌های مربع ادامه داشت.

۲. در مرحله اول، قسمت محکم داخلی جلد‌ها از قطعات چوبی یا استخوان تهیه می‌شد و در مرحله دوم برای این کار از بردی (قرطاس) استفاده کردند.

۳. در شیوه قدیم، جلد را با اشکال و نقوش گوناگون پر می‌کردند، اما پس از قرن یازدهم هجری نقش و نگار غلبه پیدا کرد و به تدریج همین شیوه ویژگی مشخص هنر جلدسازی اسلامی شد.

۴. در جلدسازی قبطی و در یمن و مناطق غربی جلد‌های قاب دار یا حاشیه‌دار رواج داشت، اما بعدها در

مرحله پیشرفت، سرطیل پنج گوشه‌ای ایجاد شد.

### هنر جلدسازی ایرانی

در ایران پیش از ظهور اسلام صنعت کتاب‌پردازی پیشرفت کرده بود، اما با ورود اسلام تمام شیوه‌های قدیمی تحت تأثیر اصول و عقاید اسلامی قرار گرفت. خط اسلامی رواج پیدا کرد و با خوشنویسی قرآن مجید هنر جلدسازی جدید نیز آغاز شد که در آن تأثیر جلدسازی اسلامی برجسته بود.

در قرن یازدهم هجری هنر جلدسازی در ایران به اوج خود رسیده بود. آنچه در جلد‌های ایرانی قرن‌های پنجم و ششم هجری به صورت روشن‌تری دیده می‌شود کار گلکاری و زری‌بافی است. در قرن‌های هفتم و هشتم هجری استفاده از رنگ‌های روشن و تند برای تزئینات جلد به اوج خود رسیده بود.

دوره طلایی جلدسازی ایران از زمان امیر تیمور آغاز می‌شود که هرات مرکز آن بود. علاوه بر هرات شهرهای سمرقند، اصفهان، شیراز و یزد نیز از مراکز هنرهای زیبا بود.

در زمان شاهزاده بانسفر [بایسنغر] هنگامی که وی از طرف پدرش، شاهرخ، در سمرقند وزیر بود، سمرقند این افتخار را به دست آورد که مرکز هنرهای زیبا شود. شاهرخ تاحد مفرط کتاب‌دوست و کتاب‌پرور بود و در هرات کارگاه و کتابخانه‌ای تأسیس کرد که آغاز دوره جدید کتاب‌پردازی ایرانی بود. در این فرهنگستان مراحل گوناگون کتاب‌پردازی را می‌آموختند. در عهد تیموری شیوه‌های تازه‌ای که در هنر ابداع شد از اهمیت بسیاری برخوردار است و از آن جمله است: تاپه (قالب) و گلکاری. در اواخر قرن نهم نقش‌های بزرگ جای نقش‌های ریز و کوچک را گرفت و کلیشه‌های فلزی مورد استفاده قرار گرفت.

در قرن دهم هجری پس از پایان عهد مغول مراکز هنر از هرات به تبریز و شیراز انتقال یافت و بر اثر آن نه تنها تغییری در فنون و روش‌ها روی داد، بلکه شیوه هنری نیز رو به دگرگونی نهاد. مهم‌ترین دگرگونی فنی استفاده از تاپه‌های پهن بود. چشم‌اندازهای طبیعی را روی ورقه‌ای بزرگ می‌کنند و مناظر بسیار مناسب و متوازن را با سمه‌کاری می‌کردند.

در این زمان بود که گلکاری ویژه‌ای با آب طلا ظهور کرد. سپس مؤلف به پیشرفت هنر جلدسازی در دو قرن پس از عهد تیمور اشاره می‌کند و نام هنرمندانی چون سلطان علی مشهدی، میرجعفر علی تبریزی، سلطان علی قزوینی، کمال‌الدین بهزاد، شاه محمد نیشابوری، علاء‌الدین تبریزی و محمد هاشم تبریزی را که در این هنر استاد بودند ذکر می‌کند.

#### هنر جلدسازی عثمانی

در اثر روابط عمیق مابین کشورهای اسلامی تأثیرات هنر جلدسازی و کتاب‌سازی نیز از منطقه‌ای به منطقه‌ای دیگر انتقال می‌یافت و هر کجا که کار اشاعه قرآن کریم و کتاب‌سازی انجام می‌گرفت تأثیرات عربی و ایرانی نیز در آنجا برجسته بود. در مورد ترکیه عثمانی نیز چنین بود و در دوره میانه هنر جلدسازی عثمانی تأثیرات ایرانی و به ویژه نقش ترنج در وسط جلد مشاهده می‌شود. اما جلدسازان تُرک به تدریج خود را از تأثیرات ایرانی آزاد ساختند و طبق ذوق و سلیقه خود رنگ‌های مورد استفاده در ترنج را تغییر دادند.

مؤلف در همین قسمت به هنر جلدسازی هندی اشاره می‌کند و می‌نویسد که قبل از ورود مغول‌ها ذکری از جلدسازی هندی وجود ندارد. پیش از ورود مسلمانان به هند، نقاشی و هنرهای دیگر کاملاً تحت تأثیر فرهنگ و دین هندی بود و با ورود پختون‌ها به

هند تأثیرات افغانی در فرهنگ این دیار مشاهده شد، اما با ورود مغول‌ها یک فرهنگ جدید اسلامی به وجود آمد و تأثیر فراوان هنر ایرانی بر هنر جلدسازی هندی مشاهده می‌شود که تنها از دیدگاه فنی نیست، بلکه در شیوه آرایش و تزیینات نیز تا دیر زمان رنگ ایرانی عهد صفوی دیده می‌شود.

#### هنر جلدسازی (روش فنی، شیوه کار، ابزار و مواد آن)

مؤلف در این بخش می‌نویسد که هنر جلدسازی اسلامی دارای سابقه تاریخی یک‌هزار و دوست ساله است، اما متأسفانه روی این موضوع کار زیادی انجام نگرفته و آنچه هم انجام شده از مستشرقین بوده است. خود محققان مسلمان به هنرهای اسلامی توجه خاصی نکرده‌اند و از آن میان هنر جلدسازی مورد بی‌توجهی بیشتر قرار گرفته و به ویژه در زبان اردو کاملاً نادیده گرفته شده است.

مؤلف سپس از کتاب‌های عمده کتاب و عمده ذوی الالباب تألیف معزین بادیس و نقایس الفنون تألیف محمد بن محمود آملی و صناعة تسفیر الکتب و حلّ الذهب تألیف ابوالعباس احمد بن محمد سفیانی و عمده الکتب تألیف عبدالله بن حسن را که در آنها بحث‌هایی درباره هنر جلدسازی مطرح شده است یاد می‌کند.

او ابزار و آلات جلدسازی را که ابن بادیس ذکر کرده و جمعاً دوازده تاست نقل می‌کند و معادل آنها را به زبان‌های اردو و انگلیسی می‌آورد (قابل توجه است که برای چاقو واژه عربی را نیاورده و شاید کاتب از قلم انداخته باشد). او همچنین می‌نویسد که سفیانی شیوه تهیه چرم برای جلدسازی را به‌طور مفصل شرح می‌دهد.

#### از عهد مغول‌ها تا عصر جدید

مغول‌ها [یا تیموریان هند] هنردوست بودند و خودشان هم به هنرهای گوناگون می‌پرداختند. در زمان مغول‌ها سنت تزیین صفحه اول با نقاشی‌های تصویر انسانی آغاز شد و چشم‌اندازهای شکار و دربار و غیر آن را نیز نقاشی می‌کردند.

در عهد شاهجهان ۲۴ هزار جلد کتاب نایاب را گردآوری کردند که برخی از جلدها بهترین نمونه جلدسازی اسلامی بود. طبق برآوردی شش میلیون و پانصد هزار روپیه برای جلد آنها هزینه شده بود.

عبدالرحیم خانخانی [عبدالرحیم خان خاتان، یکی از امرای بزرگ عهد تیموریان] هم به هنر جلدسازی علاقه خاصی داشت و برای کتابخانه شخصی خود کتاب‌های زیبایی را گردآوری می‌کرد. در عهد اورنگ زیب جلدسازی رونق فراوان یافت که نظیر آن رافقط در اوایل عهد عباسیان می‌توان دید. بنا به روایتی برای ساختن جلد قرآن کریمی که اورنگ زیب نوشته بود پانصد هزار روپیه هزینه شده بود.

سپس مؤلف کتاب می‌افزاید که در اواخر قرن نوزدهم میلادی در عهد میرعثمان علی، پنجمین نظام [فرمانروای] حیدرآباد [هند] صنعت کتابسازی دوباره رونق یافت. صحاف معروف قرن بیستم میلادی، محبوب قریشی، تحت حمایت او هنر جلدسازی اسلامی را احیا کرد. او بعداً در کراچی (پاکستان) یک کارخانه جدید جلدسازی به نام «محبوبیه فن تجلید» تأسیس نمود و از شیوه و سبک شرق و غرب هر دو استفاده کرد و بنیانگذار هیجده نوع جلد شد که عبارت‌اند از: جلد معطر قرآنی، جلد عالمگیری، جلد سلطانی، جلد نظامی، جلد بهادر خانی، جلد شاهجهانی، جلد حیدرآبادی، جلد عثمانی، جلد

رامپوری، جلد مصری و هشت نوع جلد دیگر که از آن جمله: جلد حکمتی (طبی) است که همیشه از کرم خوردگی محفوظ می ماند.

### بخش دوم

هنر جدید جلدسازی، شیوه کار و مواد بخش دوم این کتاب نسبت به بخش اوک مختصرتر است و مؤلف می نویسد که امروزه بسیاری از کارها را تکنولوژی و فن آوری به عهده گرفته است و از برش کاغذ گرفته تا جلدبندی و دوختن و مراحل تکمیلی به وسیله ماشین انجام می گیرد، اما باز هم هنرمندی جلدسازان و صحافان ارزش خود را از دست نداده است. در پاکستان فن آوری جدید تازه است و هنوز ۹۸٪ کار کتاب پردازی با دست انجام می گیرد... با این که پس از جنگ جهانی دوم کتاب های جلد شومیزی رواج یافت، اما از اهمیت

جلدسازی کاسته نشد و این گونه جلدسازی در کتاب های علمی، تحقیقی، طبی و کتاب های مربوط به تکنولوژی و فنون دیگر وارد نشد.

مؤلف کتاب پس از ذکر مقدمه ای وسایل جلدسازی را شرح داده و ۲۵ نوع آلات و ابزار از جمله چاقو و قیچی و آره و چکش و سوزن و شکنجه و غیر آن را ذکر کرده و بعد از آن، تحت عنوان «کاغذ و اندازه» سه نوع کاغذ و اندازه های [قطع های] مختلف کتاب را بیان نموده و تحت عنوان «مقوآ» به انواع مقواها و موارد استفاده آنها اشاره کرده است. وی همچنین انواع جلدها و دوخت ها و مراحل مختلف جلدسازی را شرح داده است.

### بخش سوم

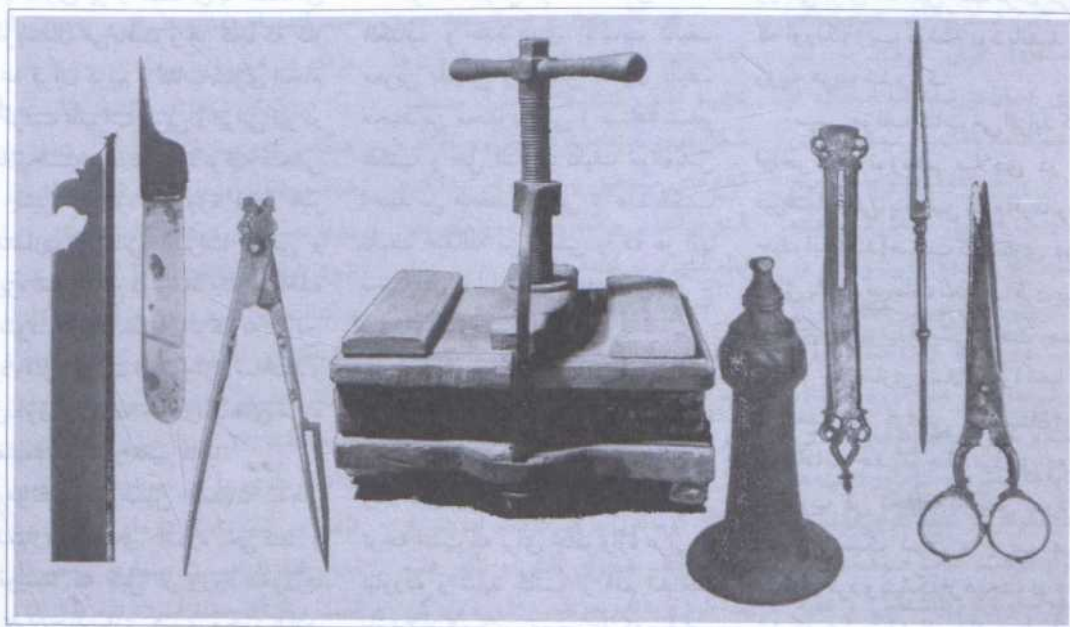
#### اصطلاحات هنر جلدسازی

مؤلف در این قسمت از کتاب،

اصطلاحات مربوط به هنر جلدسازی را به صورت واژه نامه انگلیسی به اردو آورده اما منابع و مأخذ را ابدأ ذکر نکرده است. تعداد واژه ها حدود ۵۵۰ واژه است که بدون شک برای هنر جلدسازی بسیار کم است و جالب این که حتی بسیاری از اصطلاحات که خود مؤلف در متن کتاب مورد استفاده قرار داده است در بین این واژه ها و اصطلاحات دیده نمی شود.

در این بخش نیز مانند سایر بخش ها اشتباهات حروف نگاری اردو و انگلیسی مشاهده می شود. ای کاش که مؤلف و ناشر محترم قبل از چاپ کتاب، آن را با دقت می خواندند و غلط های حروف نگار ی و نیز اشتباهات دیگری را که در ضبط اسامی و غیره روی داده است اصلاح می کردند.

سید عبدالقادر هاشمی



ابزار و آلات صحافی (مجموعه خاندان عتیقی)